واکاوی کوتاهی پیرامون قرض الحسنه

اگر کاربردهای " قرض الحسنه" را در مرکز و قلب اقتصاد اسلامی تعریف کنیم، آن را اقدامی حمایتی در سه گروه عمده؛ الف- تأمین وسایل، ابزار و سایر امکانات به منظور ایجاد کار، تولید و خدمات ب- تأکید بر افزایش تولید با پافشاری بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی ج- رفع احتیاجات ضروری مردم خواهیم یافت. در واقع با این اعتقاد، ساختاری حقوقی را بر پایه عقد لازم بنا کرده ایم، ساختاری که ماهیت آن دو اصل مهم؛۱- برقراری رابطه داین و مدیون ۲- حذف"بهره"در اعطای قرض را در بر می گیرد.

به موجب این پیمان"بانک یا موسسه اعتباری" (قرض دهنده) مبلغ معینی را بر مبنای دستورالعمل های مصوب و ابلاغ شده از سوی ناظر پولی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی (قرض گیرنده) با عنوان صریح "قرض" واگذار می کند که مطابق قانون، محدوده زمانی بازپرداخت اقساط آن برای بندهای الف و ب، ۵ سال و برای بند ج، ۳ سال و "کارمزد قرض"در تمامی موارد یاد شده حداکثر چهار درصد است.

در برابر آنچه گفته شد، روشی دیگر با عنوان پرداخت تسهیلات با شیوه بانکداری متعارف یعنی اعطای" وام" وجود دارد که نوعی قرض دادنِ پولِ سوددار یا وام بابهره است. این نوع معامله در زمان مشخص، بین وام دهنده و وام گیرنده انجام می شود و به دلیل تعیین پیشاپیش نرخ بهره، از منظر اقتصاد اسلامی غیر مجاز و "حرام" تلقی شده و شارع مقدس چنان به شدت از آن تقبیح می کند که آن را به مانند جنگ با خدا می‌داند. فرمول آن نیز چنین است که: اقساط ماهانه(p)، برای یک وام به مبلغ(L) برای مدت (N) ماه با نرخ بهره ماهانه (C) محاسبه می شود.

$$P= L \times \frac{C(L+c)^n}{(1+C)^n_1}$$

اگرچه بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی در کنار بانکداری متعارف خود، سال به سال به اجرای " قرض الحسنه" روی آورده و پایبندی قابل تحسینی پیدا می کنند، اما شایان توجه است "قرض الحسنه" دربانکداری اسلامی معنایی جدی دارد و عملیاتی بانکی و پاک به حساب می آیدکه با احکام اسلام، به ویژه از دید حذف ربا و رباخواری همخوانی تنگاتنگ داشته و همواره درقلب "اقتصاد اسلامی" می درخشد و حضوری مستحکم دارد. اضافه کردن صفت اسلامی به بانکداری، آن را مُلزم می کند تا علاوه بر رعایت قوانین اسلامی در فعالیت های خود که مهم ترین آن پرهیز از رباست، در عرصه هایی که موضوعات حرام محسوب می شود نیز به هیچ وجه ورود پیدا نکند و از همه بالاتر و در نهایت، رسیدن به هدفی والاتر که رشد و اتمام مکارم اخلاقی افراد جامعه است را سر لوحه کار خود قرار دهد. در این زمینه امام خمینی(ره)، همواره تأکید داشت: " اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت های مادی، راه را برای اعتلای معنوی انسان می گشاید."

با این نگرش و بر اساس اینکه فقه اسلامی دریافت پول اضافی از وام گیرنده را "ربا" و حرام می داند "قانون عملیات بانکی بدون ربا" در سال ۶۲ در مجلس شورای اسلامی طرح و تصویب و از سال ۶۳ در سراسر کشور به صورت یکپارچه عملیاتی شد، اما امروز پس از گذشت بیش از سه دهه از اجرای آن، هنوز نتوانسته است به کارویژه موثرخود پیرامون آنچه گفته شد نایل آید! به همین دلیل این موضوع جای پرسش های اساسی در این حوزه را باز و واکاوی آن را لازم می‌نماید، پرسش هایی که همچنان بی‌پاسخ مانده است. سوالاتی از این دست که؛ به واقع آیا این قانون آنچنان که ترسیم شد و انتظار می رفت در جامعه و نظام پولی کشور محقق شد؟ آیا متولیان اجرایی آن پس از آموزشِ قوانین و دستورالعمل ها، اراده و باور جدی اجرای دقیق آن را داشته و دارند؟ آیا دراین مدت طولانی، برای بازنگری و به روز رسانی شیوه نامه های اجرایی و مقررات آن تلاش جدی، با حوصله و قانونمندی انجام گرفت و ضعف‌های آن در محتوای مقررات و عرصه عمل، سنجیده واز بانک ها به عنوان پیشخوان اجرای قانون، نظرخواهی دوره ای و متناسب به عمل آمد؟ آیا برای ترویج و تبلیغ قرض الحسنه آنچنان که شایسته این حکم قرآنی است، اقداماتی همگون درخور توجه در بانک های دولتی، خصوصی و موسسات مالی واعتباری صورت پذیرفت؟ و..... پرسش های بی‌شمار دیگری که مجال طرحش در این نوشته کوتاه نیست.

در پاسخ به پرسش های اساسی یاد شده، بی‌شک لازم است واکاوی و پژوهشی همه سویه انجام گیرد، اما در مجموع برای اثبات بی‌توجهی به دغدغه های موجود و ناکامی‌های مشهود این سه دهه در عرصه قرض‌الحسنه، لازم نیست بررسی خیلی عمیق، گسترده و پیچیده ای انجام شود، تنها با نگاهی به آمار و ارقام رسمی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی- دایره آمارهای پولی - بخش پولی- گزیده آمارهای اقتصادی، منتشر شده در سایت بانک مرکزی ج.ا.ا که در حقیقت متولی و ناظر تام، ساختاری و اجرایی درست "قانون بانکداری بدون ربا" و مروج اصلی بانکداری اسلامی است به ما نشان می دهد؛ مانده حساب های قرض الحسنه در بانک‌ها بویژه بانک های دولتی! در این سه دهه، سال به سال و دوره به دوره کاهش یافته است. فقط در آمار اخیر ۸،۱ درصد کاهش پس‌انداز قرض الحسنه در خرداد ۹۴ نسبت به اسفند ۹۳ قابل مشاهده است. و درنموداری دیگر خرداد۹۳ نسبت به خرداد ۹۲ کاهش ۱۶ درصدی را شاهدیم و این درحالی است که در جدول آمده است: سپرده های قرض الحسنه را شامل سپرده های صندوق پس انداز بانک مسکن نیز بر می شمارد. تنها در بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی، آمار خرداد۹۳ نسبت به خرداد ۹۲ افزایشی برابر با ۱۴،۹درصد رقم خورده است که همین رشدهای مقطعی نیز هیچگاه مورد واکاوی قرار نگرفته است!!! درحالی که به باور نگارنده برای پژوهشگران این عرصه، چنین رخدادهایی می تواند شاخص های خوبی باشد تا بوسیله آن پی به زمان های اقبال مردم به این حساب ارزنده برده تا راهنمای روشن و زنده ای گردد که بتوان از آن برای ترویج قرض الحسنه به نیکی بهره‌برداری کنیم.

از این اعداد و ارقام که بگذریم در یک مطالعه میدانی و نظر سنجی عمومی، به خوبی به این واقعیت پی خواهیم برد که مردم به خاطر روند شتابان قیمت عمومی کالاها و خدمات "رشد نرخ تورم"پول های خود را به منظور حفظ ارزش آن، بیشتر به سمت سپرده گذاری های سودآور برده اند تا سپرده‌های قرض‌الحسنه تا جایی که اعلام سودهای بالا به صورت آشکار و پنهان، از سوی بانک هاو موسسات مالی و اعتباری (با مجوز یا بدون مجوز) آنها را در گردونه بی پایان رقابت در افتتاح سپرده "به هر قیمتی" با سود هرچه بیشتر سوق داده است. اگر به دقت و با واکاوی موشکافانه به این مساله بنگریم، خواهیم دید که رفتن به این ورطه همچون نوشیدن آب شور دریاست که نه رفع تشنگی، بلکه هرچه بیشتر بر عطش نوشنده می‌افزاید و دست واجدین شرایط دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه را روز به روز از این وام پاک کوتاه تر و دورتر می کند و از سوی دیگر؛ میل و رغبت سپرده گذاران قرض‌الحسنه را نیز در جامعه روز به روز کاهش می دهد. در واقع این دو روی یک سکه دور باطلی است که از پس از انقلاب اسلامی بر یکدیگر اثر گذاشته و به صورت فزاینده جامعه را از سفارش قرآنی قرض‌الحسنه دور و دورتر کرده است.

نگارنده به خوبی به یاد دارد که در دهه های گذشته در بانک مرکزی گروهی تحت عنوان"کمیته ترویج و توسعه بانکداری بدون ربا" وجود داشت که توفیق عضویت در آن را نیز مدتی به اعتبار سمت داشتم و بحث و بررسی‌های خوبی در آن انجام می شد. جا دارد چنان گروه و کمیته هایی با رویکردی دقیق تر و تحقیقی تر، متشکل از نمایندگان خبره و کارآشنای شبکه بانکی تشکیل و در قالب پژوهش های علمی، بر ترویج بانکداری بدون ربا و توسعه قرض‌الحسنه پا فشاری شود و با حمایت بانک مرکزی حرکت کنونی را برعکس جریان فعلی، به حرکت درآورند. شک نیست؛ در شرایط پسا توافق بویژه با رویکرد "اقتصاد مقاومتی" قرض الحسنه می تواند با سوق دادن سرمایه ها به سمت بخش های واقعی اقتصاد، کشور را به سوی رشد و توسعه رهنمون شود.

علی جهانی